

پسماند خوش شانس

۱ در پارک بودم
در خود مچاله
از بس که گفتند
هستی زباله

۲ من قول دادم
خود را نبازم
تا زندگی را
از نو بسازم

۳ ماشین مرا برد
مانند اورژانس
شد برگ کاغذ
پسماند خوش شانس

۴ حالا خمیریم
با یک اشاره
هر برگ من یافت
شکلی دوباره

۵ اما تو در پارک
یا جای دلباز
لطفاً به جز عکس
چیزی نینداز

حمیده سیوانی امیرخیز

الیه صادقیان